



## فعالیت های اقتصادی زنان صفوی در زیارت گاه شهر اردبیل

پدیدآورده (ها) : زرین باف شهر، فریبا؛ مروار، محمد  
تاریخ :: نامه تاریخ پژوهان :: پاییز 1384 - شماره 3  
از 80 تا 102

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/105717>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان  
تاریخ دانلود : 31/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل\*

نویسنده: فریبا زرین باف شهر\*\*

مترجم: محمد مروار\*\*\*

### چکیده

در تاریخ ایران بعد از اسلام، هیچ‌گاه زن رسماً در امور سیاسی - اقتصادی کشور مداخله نکرده، مگر در موارد استثنایی که بر اثر لیاقت و شهامت و هوش‌مندی و ذکاوت فوق‌العاده، در عرصه سیاست و اقتصاد جامعه خودنمایی کرده باشد. به قدرت رسیدن حکومت صفوی و اهمیت سیاسی طبقه جدید شیعی و خاندان‌های قزلباش کمک کرد تا زن نقش مهمی را در این دوره به دست آورد، زیرا مذهب جدید و جامعه صفوی، برای زن اهمیت زیادی قائل شد. این مقاله، درصدد است تا نشان دهد زنان طبقات بالای جامعه، سهم قابل توجهی در قدرت اجتماعی و اقتصادی اوایل دوره صفوی داشته‌اند. هدف اصلی پژوهش این است که نقش زن صفوی را در مالکیت دارایی شهر و روستا، دارایی منقول، املاک، مستغلات و فعالیت‌های وقف برای مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی در قرون ۱۴-۱۷م بررسی کند. نیز معلوم می‌دارد که زنان صفوی در به دست آوردن زمین و املاک برای مقبره شیخ صفی، نقش مهمی داشته و بدین وسیله، قدرت اقتصادی و اجتماعی فراوانی به دست آورده بودند. نویسنده با استفاده از تواریخ محلی، گزارش‌های خارجی، آرشیوها، منابع دست اول و تحقیقات جدید به این مسئله پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: زن، صفویه، وقف، اقتصاد و شیخ صفی‌الدین اردبیلی.

\* این مقاله ترجمه‌ای است از:

E conomic Activities of asfavid women in the shrine-city of Ardabil, Iranian studies ,  
Volume 31, number 2, 1998

\*\* دکتری تاریخ از دانشگاه شیکاگو، پژوهشگر دانشگاه شیکاگو، متخصص تاریخ روابط ایران و عثمانی،  
تاریخ شهر در جهان اسلام و تاریخ آذربایجان.  
\*\*\* کارشناسی ارشد رشته تاریخ.

«بیش از نیمی از کارهای اردو توسط خدمت‌کارهای زن شاه که سوار اسب می‌شدند، انجام می‌شد. آن‌ها مانند مردان سواری کرده و مانند آن‌ها لباس می‌پوشیدند، جز این‌که کلاه بر سر نمی‌گذاشتند و به جای آن از روسری استفاده می‌کردند. در هر گروه از این زن‌ها ۱۰-۱۲ مرد وجود داشت که به آن‌ها/یشیک آغاسی گفته می‌شد. آن‌ها ارباب خانه بودند. من ۱۴ و ۱۵ نفر از این دختران را دیدم که بسیار زیبا بودند، هر چند که چهره‌های آن‌ها به طور کامل قابل دیدن نبود، اما آنچه دیده می‌شد بسیار زیبا و لطیف بود. بعضی مواقع آن‌ها چارنعل می‌تاختند و با اسب‌های خود نمایش‌های عجیبی اجرا می‌کردند؛ با اسب‌ها می‌پریدند و مهارت‌های فراوان دیگری اجرا می‌کردند. سپس به اردوگاه و محل استقرار چادرهای شاه برمی‌گشتند.» (ممبری (membre)، فرستاده سیاسی ونیز در مراغه، سپتامبر ۱۵۳۹).<sup>۱</sup>

هر چند در کتاب‌های خطی و منابع دست اول، اشاره‌های مستقیمی به زنان شده است، اما تواریخ جدید ایران عصر صفوی توجه کمی به نقش مؤثر زنان در شکل‌گیری تاریخ صفویه داشته‌اند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، تاریخ اواخر دوره صفوی، تحقیق و پژوهش تاریخ درباره اوایل قرن ۱۶م را تحت الشعاع قرار داده است. شاید تصویر مخدوشی که به وسیله شاهدان معاصر اروپایی قرن ۱۷م از زندگی عصر صفوی به طور عام و به خصوص از وضع حرم‌سرا نشان

1 . Michele membre , mission lord sophy of persia (1539-1542), trans. A.H. morton (london: school of oriental and africa studies, 1993), 25.

2 . See maria szuppe, la partiapation des fammes de la famille royale al.exercise du pouvoir en Iran safarid auXVI siecle (partona) studia Iranice 23 (1994): 211-58: idem the jewels of wonder: learned ladies and princess politicians in the provinces of early safavid iran, in women in the medieval islamic world,ed. Gavin hambly (newyork: st. martin press, 1998), 325-47.

کارهای «زاپ» تا حد زیادی طبق وقایع نگاری‌های صفوی و مقداری نیز از سفرنامه‌های اروپایی استوار است. هم‌چنین ر.ک:

Golsrkhī,parikhan khanum: A masterful safavid princess, Iranian studies 28 (1995), 143-56.

هیچ کار علمی در مورد تاریخ حرم‌سرا در ایران وجود ندارد. منابع باقیمانده از دوره صفوی نیز به وسیله محققان تاریخ ایران بررسی نشده‌است.



داده شده است، نظرها را درباره زن ایرانی با آن توصیف نامتعارفی که در ذهن اروپایی‌ها به وجود آمده، تغییر داده باشد.<sup>۱</sup> بنابراین، منابع یاد شده، غیرانتقادی و بسیار غیردقیق هستند. ما قصد داریم تا نقش زن را زمانی که آن‌ها از مرزهای مذهبی و ایدئولوژیکی جامعه خودشان تخطی و سرپیچی می‌کردند، روشن کنیم.<sup>۲</sup> دستیابی به اسناد حکومتی امپراطوری عثمانی ما را به یافته‌ها و مطالعات مهمی درباره موقعیت زن در خاورمیانه و در امپراطوری عثمانی سوق می‌دهد.<sup>۳</sup> متأسفانه اسناد مشابهی در ایران به دست نیامده است که بیشتر آن ممکن است به دلیل طبیعت غیر متمرکز سیستم قضایی ایران عصر صفوی و قاجاریه بوده باشد. اسناد حکومت اسلامی در تمام ایران پراکنده شده بود و بایستی از املاک شخصی گروه‌های علمایی که به عنوان قاضی (قضات اسلامی) بودند، جمع‌آوری شود. در ضمن تا ایران شروع به تحقیق کرده و این مجموعه‌ها در دسترس قرار گیرند، باید خود را به ارزیابی دقیق و مطالعه تواریخ محلی، گزارش‌های خارجی و تعداد کمی از منابع دست اول، مانند منابعی که در این مطالعه از آن‌ها استفاده شده است، محدود کنیم.

مشاهده بررسی مایکل ممبری<sup>۴</sup> تاجر و فرستاده سیاسی ونیزی نقش کلی زن قزلباش را در آذربایجان در اوایل دوره صفوی نمایان می‌کند. این مقاله، درصدد است تا نشان دهد که اعضای مؤنث خانواده‌های اشراف نظامی - قبیله‌ای قزلباش سهم فراوانی در قدرت اجتماعی

1 . See roland ferrier women in safavid iran: the evidence of european travelers. In gavin hambly, ed, women in the medieval islamic world, 383-406; also kathryn babayan, the Aqaid alMisa: A gliimps at safavid women in local isfahan culture, inibid 349-81.

در حالی که کار فریزر به طور کلی به تعدادی از سفرنامه‌های اروپایی وابسته است، هم‌چنان که در عنوان آن نشان داده شده است، کار بر منابع مذهبی و معمولی، وقایع‌نگاری‌ها و تعدادی از سفرنامه‌های خارجی مانند شاردن (Charden) متکی است. هر دو مؤلف صرفاً بر موقعیت زن در محیط جهان شهری در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن هفدهم تمرکز کرده‌اند.

۲. به عنوان مثال سیوری (savory) سقوط قدرت صفوی را تا حدی وابسته به نفوذ فراوان حرم بر سیاست‌های دولت صفوی نسبت داده است.

Roger savory, Iran under the safavids (cabridge: cambridge university press, 1980) 228.

3 . For recent works see amira sonbol, ed, women, the family, and divorce laws zilifi, ed, women in the ottoman empir (leiden: E.J.brill, 1997).

4 . Michel membre.

و اقتصادی در اوایل دوره صفوی داشته‌اند. علاوه بر این، چنان‌که ممبری خاطر نشان می‌کند، این زنان، اسب سواری می‌کرده و طبق رسوم قبیله، شبیه مردان لباس می‌پوشیدند. آن‌ها مانند زن شهری از تور صورت که از روی سر تا پا کشیده می‌شد، استفاده نمی‌کردند، اما در عوض تنها قسمتی از سر و صورت خود را می‌پوشاندند. هم‌چنین ممبری بر زیبایی ظاهری و کنترل اقتصادی آن‌ها بر شوهرانشان تأکید دارد که در اظهارات وی در زیر نمایان است: آن‌ها زنان بسیار زیبا و شیک‌پوش و قد بلند داشتند که گردن بندهای مروارید برگردن‌های آن‌ها آویزان بود. خانم‌های آن‌ها بسیار خوش‌خو و سازگار بوده و از پول شوهران خود نگهداری می‌کردند. هنگامی که شوهر می‌خواست چیزی بخرد، بایستی از زن خود تقاضای پول می‌کرد. بنابراین باید گفت که قزلباش‌ها زنان خود را بسیار دوست داشتند. خانم‌ها مانند مرد، داخل شهر سواری می‌کردند و به جای مهترها با دخترها بیرون می‌رفتند. آن‌ها با صورت‌هایی پوشیده، با روسری سفید که فقط چشم‌های آن‌ها قابل دیدن بود، بیرون می‌رفتند.<sup>۱</sup>

شاید ما بپذیریم که در ساختار قبیله‌ای تاریخ صفوی و حتی تا اوایل قرن ۱۶م زن قزلباش هنوز به طور کلی حرم‌نشین نشده بود. علاوه بر این، بعدها در این مقاله خواهیم دید که زندگی در حرم نتوانسته مانع دخالت اعضای مؤنث خاندان صفوی در فعالیت‌های اقتصادی و پذیرش نقش مستقیم در امور سیاسی شود. ممبری در همان گزارش خاطر نشان می‌کند که تاجلو بیگم، مادر شاه طهماسب (۱۵۲۴-۱۵۷۶م) تبعید شده و در شیراز زندانی بود، زیرا ادعا شده بود که او در مسموم کردن شاه دست داشته تا بدین وسیله پسر دیگرش بهرام میرزرا به تخت بنشانند.<sup>۲</sup> نقش سیاسی زن صفوی تنها محدود به توطئه و دسیسه‌چینی در حرم نبود. با وجود این، ارزیابی منفی وقایع‌نگاران معاصر، مانند اسکندر بیک منشی، بر دیدگاه‌های دانشمندان غربی

1. Membre, mission, 31.

۲. روایت بر این است که هنگامی که عثمانی‌ها در جنگ چالدران در سال ۱۵۱۴م تبریز را تسخیر کردند، پی بردند که بسیاری از زن‌های صفوی مانند تاجلوخانم، همسر شاه اسماعیل با لباس مردان در جنگ حضور دارند. تاجلوخانم در نهایت به وسیله عثمانی‌ها اسیر شد، اما آزاد شد و به تبریز بازگشت.

N. M. shayabani, tashkil-i shahanshahi safaviyeh: ihya-i vahdat-i millit (tehran 1346-1967,

204-8.

تأثیر گذاشته است. تحقیق اخیر ژویه<sup>۱</sup> در مورد دوره صفوی که با استفاده دقیق از منابع موجود برای روشن شدن نقش زن در ایجاد یگانگی و اتفاق بین اعضای سلسله صفوی، امرای قزلباش و بزرگان محلی صورت گرفته، تا حدی این دیدگاه را تصحیح کرده است.<sup>۲</sup> البته تحقیق‌های منظم بیشتر در منابع موجود صفوی، این دیدگاه صحیح و تاریخی را در مورد بیرون و اندرون حرم، روشن‌تر خواهد کرد. علاوه براین، قبل از دستیابی به هرگونه نتیجه‌ای در مورد وضعیت قطعی زن در جامعه صفوی، لازم است تا به موقعیت اجتماعی و اقتصادی زن در ابتدای دوره جدید توجه شود. گزارش پدر سیمون،<sup>۳</sup> مبلّغ کارملیتی که در سال ۱۶۰۴م از اصفهان دیدن کرده است، چهره متفاوتی از زندگی زنان در قلمرو بین‌المللی اصفهان اوایل قرن ۱۷م نشان می‌دهد: «ایرانی‌ها یک زن دارند و در ازدواج هیچ توجهی به یک یا دو رابطه ندارند. آن‌ها زن‌های صیغه‌ای بسیاری، تا آن‌جا که از عهده آن‌ها برآیند، اختیار می‌کنند. آن‌ها مکان‌های مخصوصی برای زنان خود دارند که به آن اندرون یا حرم می‌گویند و هیچ کس حتی پسران خود آن‌ها نیز حق ورود به آن‌جا را ندارد. دیوارهای حرم بسیار بلند است، آن‌جا پنجره‌ای برای نگاه کردن به خیابان ندارد، و زنان آن‌ها بسیار محدودتر از راهبه‌های ما هستند. آن‌ها به سختی می‌توانند بیرون بروند، حتی نمی‌توانند به مساجد بروند. آن‌ها حتی اجازه ندارند به هیچ کس غیر خویشاوندان خود نگاه کنند، از این رو زنان محترم اندکی در خیابان دیده می‌شدند و تقریباً همه زنانی که در میادین رؤیت می‌شدند، هر دو در لباس‌هایی بودند که آن‌ها را کاملاً می‌پوشاند و در مورد امور دیگر این‌که آن‌ها با شرم و حیا رفتار می‌کردند، در کنار لباس‌های بلند، یک روسری کتان سفید می‌پوشیدند که آن‌ها را کاملاً می‌پوشاند و حتی دست‌های آن‌ها قابل دیدن نبود. تعدادی دیگر از آن‌ها در اطراف و داخل شهر سوارکاری می‌کردند».<sup>۴</sup>

1 . Szuppe.  
 2 . Ibid; see the diagramson pages 224-225, 230-231, 234, 237, 238.  
 3 . Father simon.  
 4 . H. G. chick,ed A chronicle of the carmelites in persia and the papal, Mission of the



صیغه، پوشش و جدایی جنسی به وسیله تعدادی بسیاری از اعضای متمول طبقه حاکم و به همین گونه در امپراطوری عثمانی، به منصفه عمل درآمده است. علاوه بر این، برده‌داری به عنوان یکی از مؤسسه‌هایی بود که در قرن ۱۶م از طریق افزایش زنان و مردان اسیر شده در جنگ‌های قفقاز در دوره صفویه به وجود آمد. مشاهدات مسافران اروپایی از وضعیت اجتماعی زن در قرن ۱۷م در اصفهان منعکس‌کننده یک واقعیت جزئی تاریخی است. بنابراین باید در جایگاه تاریخی و زمینه اجتماعی شایسته خود قرار گیرد. یک مطالعه بسیار جدی، منظم و دقیق از نسخه‌های خطی و مورد موجود در آرشیوها و دیگر مدارک موجود، محیط پویای اجتماعی را که زن در آن نقش فعالی ایفا کرده است، آشکار خواهد کرد.<sup>۱</sup> هدف ما از مطالعه زن به عنوان واحدی مجزا و در یک وضع تطبیقی، رسیدن به درک بهتر و کامل از جامعه صفوی براساس منابع موجود، وقایع‌نگاری‌ها و گزارش‌های خارجی است. علاوه بر این، این مقاله سعی دارد نقش زن صفوی را در مالکیت دارایی شهر و روستا، دارایی‌های منقول، و فعالیت‌های وقف برای آرامگاه صوفی بزرگ در آذربایجان در اوایل عصر جدید، روشن کند. زن صفوی از طریق حمایت مالی یکی از مهم‌ترین حکومت‌های مذهبی طی چند قرن به ترقی و پیشرفت امپراطوری صفوی کمک مهمی کرده است. این امر تا حد زیادی به اسناد موجود در آرشیو طبقه‌بندی نشده صریح‌الملک که در کتابخانه دانشگاه تهران قرار دارد، متکی است.<sup>۲</sup> مجموعه صریح‌الملک که از آن در این تحقیق استفاده شده، (حدود پانصد ورق) از

→ XVII th and XVIII centuries (London: Eyre and Spottiswoode, 1939), 1:57. see also William H. McNeill and Marilyn Robinson Waldman. The Islamic World Chicago The University of Chicago Press, 1983). 376-77.

۱. بعضی از دانشمندان ایرانی در این روش علمی از همه جلوتر بودند. به کار پیشگامانه شیرین بیانی، زن در ایران عصر مغول، (تهران ۱۳۵۲/۱۹۷۳م). کمی جدیدتر ر.ک: جلال ستاری، سیمای زن در فرهنگ (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳/۱۹۹۴م) هم چنین ر.ک: مقالات:

Hambly, women in the medieval daral-islam.

2 . Sharih al-milk(sm), microfilms 1655(176folios), 1656(177folios), 1658(199folios), university of tehran library.

تاریخ سند اول از سال ۱۳۰۵ و سند دوم سال ۱۶۲۹م می‌باشد.

←



کتاب‌هایی در مورد آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۱۳۰۰-۱۳۳۴م) مؤسس سلسله صفوی در آذربایجان، استخراج شده است. این رونوشت، نسخه‌هایی را در مورد هدایا و فروش‌هایی که در آرامگاه از قرن چهارده تا هفده میلادی ثبت شده، در برمی‌گیرد. اسناد متفرقه‌ای که تاریخ اولیه آن به سال ۱۳۰۵م می‌رسد، به دستور شاه صفی (۱۶۲۹-۱۶۴۲م) و به وسیله شیخ زاهدی، متولی‌ای که جدیداً منصوب شده بود، برای رواج مجدد عایدات و درآمدهای آرامگاه در سال ۱۴۰۹ق/۱۶۲۹م جمع‌آوری شده بود.<sup>۱</sup> این مجموعه، مانند وقفی که برای مقبره به ثبت رسیده، اطلاعاتی درباره لیست اموال و دارایی‌های شهری و روستایی مالکان اصلی آن‌ها با اندازه محل، ارزش و تاریخ انتقال دارایی به آرامگاه آذربایجان در طول سه قرن، به دست می‌دهد و قسمتی از آن اطلاعات گم شده و شکاف‌های تاریخ‌نگاری را در برمی‌گیرد، اما قسمت عمده آن، مواد تاریخی را از قرن شانزدهم تا اوایل قرن هفدهم شامل می‌شود. بقایای این مجموعه، به طور گسترده بررسی نشده است، اما یک مرتبه مطالعه وسیع و در تمام جزئیات آن، این شکاف را در تاریخ این آرامگاه مقدس در تاریخ صفوی پر خواهد کرد.<sup>۲</sup>

بی شک، به قدرت رسیدن حکومت (طریقه) مذهبی شیخ صفی و تأسیس دولت صفوی، مهم‌ترین واقعه تاریخی، تاریخ خاورمیانه در قرن شانزدهم بود. زن در بیشتر از ۲۰٪ از فعالیت‌های اوقاف و مستغلات در آرامگاه در قرن شانزده و هفده میلادی شرکت داشت.<sup>۳</sup>

→ See also bert frogner, ardabil zwischen sultan und schah. Zehn urkunden schah tahmaspsli, turcicab (1975): 177-225; and A.H. morton, the ardabil shrin in the reign of shah tahmasp I, iran 12(1974): 31-64 : 13(1965), 39-58.

مورتن به قسمتی از اسناد شریع الملک دست‌رسی داشته و از آن برای تجدید نمای ساختار فیزیکی حرم در کتاب خود بهره گرفته است.

1 . SM, microfilm 1655, fol. 4-7.

۲. برای بررسی میزان مالیات عثمانی برای زیارت‌گاه در قرن هیجدهم ر.ک:

Fariba Zarinebaf-shahr, the oftoman alministration of shi,i wagfs in azerbaijan, in faruk bilici,ed, le wagf dans lemode musulman contemporain(XIXE-xxesicecles) (Istanbul:Institut fiancais des etudes anatoliennes, 1994), 233-36.

۳. برای مقایسه بادمشق در دوره ایوبیان ر.ک:

R. stephen humphreys, women as patrons of religious architecture in Ayybid damascus,





همچنین مرد و زن املاکی رابه آرامگاه می فروختند. ما باید بین وقف قسمتی از یک روستا و مزرعه یا مقداری از زمین و فروش قسمتی از دارایی شخصی، به خصوص دارایی‌های واقعی شهری (مغازه‌ها، باغ‌های میوه، واحدهای مسکونی، حمام، کاروان‌سراها) به مقبره، تفاوت قایل شویم. در مورد نمونه اول، عایدات (مالیات و اجاره‌بها) که از زمین و آسیاب یا مغازه‌ها دریافت می‌شدند، برای اعمال مذهبی و خیرخواهانه اعطا می‌شد. در بعضی موارد، مالکان خود را به عنوان متولی (سرپرست) وقف منصوب می‌کردند. در این روش، سهمی از درآمدی که به وسیله متولی از موقوفه دریافت می‌شد، به‌عنوان موجب و حقوق اختصاص می‌یافت. پس از درگذشت متولی اصلی، جای او یا به نوادگان پسر و دختر او سپرده می‌شد یا این‌که متولی مقبره شرط خاصی با مالک منعقد می‌کرد. در اوقاف خانوادگی، اعقاب فرد وقف‌کننده (اعم از زن و مرد) نخستین کسانی بودند. که از وقف بهره‌مند می‌شدند، در حالی‌که هدف اوقاف خیرات (خیریه) کمک به فقرا و نیازمندان بود. اوقاف خانوادگی درصد بودند تا قوانین ارث اسلامی را نادیده بگیرند، زیرا آن‌ها مانع تجمع ثروت در دست یک وارث می‌شدند. دارایی موقوفه بایستی به‌طور خصوصی نگهداری می‌شد، حتی اگر به‌وسیله اعضای طبقه حاکم نگهداری می‌شد. علاوه براین، دولت از لحاظ قانونی نمی‌توانست از آن‌ها مالیات بگیرد یا دارایی وقف را مطالبه کرده یا مصادره کند. باید تأکید کرد که بسیاری از این اوقاف زیارت‌گاه، اوقاف خانوادگی نبودند و آن‌ها نمی‌توانستند صاحبان اصلی و وارث آن‌ها را که از نخستین افرادی بودند که از وقف بهره‌مند می‌شدند، مقید و مشروط کنند. بیشتر عطایایی که برای زیارت‌گاه شیخ صفی وقف می‌شد، خیریه یا اوقاف خیریه بود. کنترل، اداره و جمع‌آوری وجوهات برعهده کارمندان یا خدمه زیارت‌گاه بود و افراد ذی‌نفع و اعضای آن با توجه به سابقه و عملکردشان به‌عنوان خدمه و مستخدم، عمل می‌کردند. افزایش اهمیت سیاسی این زیارت‌گاه را بایستی نخستین دلیل جریان مداوم ثروت و رشد تعداد موقوفات عطایی از طرف

→ mugarnasli (1994), 35-54.

هامفریز به نقش فعال زنان طبقه بالای ایوبی به عنوان مؤسسان ۱۴-۲۴٪ مؤسسه‌های خیریه مذهبی توجه داشته است. همچنین تأکید دارد که مقدار زیادتری از این اوقاف (۲۰٪) به حجره‌های صوفی‌ها اختصاص داده می‌شد. Ibid, 35-37



اعضای طبقه حاکم به زیارت‌گاه طی قرون شانزدهم و هفدهم میلادی به شمار آورد. علاوه براین، ذخیره نقدی آرامگاه که از سوی حامیان آن در آناتولی و آذربایجان حمایت می‌شد، کمک کرد تا آرامگاه قطعه‌های فراوانی از زمین‌های آذربایجان و املاک شهری اردبیل را در اختیار گیرد. زن، نقش مهمی در به‌دست آوردن زمین و املاک شهری برای زیارت‌گاه داشته‌است. قوانین ارث اسلامی (شریعت) نقش مهمی برای وارثان زن قائل شد. آن‌ها نصف مردان هم پایه خودشان ارث می‌بردند و در عین حال از لحاظ قانونی حق کنترل کامل برای در اختیار گرفتن اموالشان را داشتند. زن سهمیه‌ای از اموال شهری و روستایی، از قبیل زمین‌های روستا، واحدهای مسکونی، حمام‌های عمومی (حمام)، واحدهای اقتصادی (کاروان‌سراها) و مغازه‌ها(دکان) به ارث می‌برد. آن‌ها هم‌چنین می‌توانستند سهم مهمی از دارایی تحت اختیار خود را به زیارت‌گاه اردبیل اعطا کرده یا بفروشند.

تحقیقات جدید به‌وسیله پتری<sup>۱</sup> /ایزولفسکی<sup>۲</sup> و پیرس<sup>۳</sup> نقش فعال زنان مسلمان را به‌عنوان بنیان‌گذاران مؤسسه‌های خیریه نشان می‌دهد. پتری به‌طور واضح نشان می‌دهد که زن مملوک، مؤسسه‌های سرپرستی امور مالی و نگهداری سپرده‌ها را برای تضمین و حفظ آن در زمان بلوا و شورش‌هایی که از مشخصه‌های جامعه مملوک بود، تأسیس کرده‌است. هم‌چنین ایزولفسکی توجه‌ها را به این نکته معطوف می‌کند که زنان اوایل دوره مغولی، مشوق امور مالی در قرن شانزدهم بودند.<sup>۴</sup> شبیه همین امر، زنان عثمانی خانواده سلطنتی قسمت مهمی از

1 . Carl F.petry, class solidavity versus gander gain: women as custodians of property in later mamluk egypt, in nikki R.keddle and beth baron, eds, women in middle eastren mistovy(newmaren: yaleuniversity press, 1991), 122-43.

2 . Gregory c.kozlowski, muslim women and the control of property in north india, in krishnanmurty,ed, women in colonial india(delhi,oxford university press, 1989) 114-33 see also R.D. Mc chesney, waqfin central asia: four nundred years in the history of muslim shrine, 1480-1889(princeton, princeton university press, 1991).

3 . Leslie peirce, the imperial harem: women and sovereignty in the ottoman empire(newyork: oxford university press, 1993). See also My article, women low, and Imprial justice inottman Istanbul. in amira sonbd,ed, women and Dirovcelaws in Islamic society (syracuse: university press, 1996), 81-95.

4 . Kozlowski, muslim women , 120-22.

درآمد مالی خود را برای ایجاد مجموعه اوقاف عمده شاهنشاهی اختصاص می‌داده‌اند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، به خوبی می‌دانیم که مجتمعی به‌نام مسجد کبود که در تبریز واقع است، به‌وسیله یک زن شاهزاده به‌نام *خاتون جان‌خاتون* معروف به بیگم زن جهان‌شاه *قراقویونلو* (متوفای ۱۴۶۷م) در سال ۱۴۹۲م بنا شده‌است. براساس وقف‌نامهٔ این مجتمع، دارایی اعطا شده، ۲۳ قطعه زمین در اطراف تبریز، ۷۹ روستا، ۱۰ قنات (کانال‌های آب زیرزمینی) ۳۰ کاروان‌سرا (کاروان‌سراهای کوچک)، بازار ری در سوق السکاکین و سرانجام تمام محله رشیدی را در داخل شهر شامل می‌شده است. این مجتمع، شامل یک مسجد، یک مدرسه و یک زیارت‌گاه بوده‌است. *خاتون جان‌خاتون* دو دخترش و اولاد مؤنث آن‌ها را به‌عنوان متولیان این مجموعه وقف قرار داد.<sup>۲</sup>

دربارهٔ مجتمع‌های موقوفه عثمانی و صفوی که به‌وسیله زنان اعطا گردیده، مطالعات مفصلی انجام نشده است. این مقاله، درصدد است تا با تمرکز بر فعالیت‌های وقف و انتقال دارایی‌ها به‌وسیله زن صفوی به مقبره طی قرون شانزدهم و هفدهم میلادی، قسمتی از این شکاف را پر کند. محدودهٔ جغرافیایی این مقاله باید به آذربایجان و شهر زیارتی اردبیل در طول قرون چهاردهم تا هفدهم میلادی محدود شود. ما می‌توانیم این رسم اعطا و وقف زنان را فراتر از مرزهای کیهانی و سلسله‌ای داخل یک شهر به‌طور مداوم دنبال کنیم. ما می‌توانیم مشاهده کنیم که زن امپراطوری ایلخانی در توسعه مجتمع زیارت‌گاهی *شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی*، با توسعه آن از طریق اوقاف کلان در قرن چهاردهم، نقش اساسی داشته است.<sup>۳</sup>

علاوه بر این، انتقال اموال از طریق فروش در بین زنان، به‌عنوان فروشندگان مستغلات و املاک به‌صورت املاک خصوصی، کاملاً مشخص است. بسیاری از اسناد فروش (قباله) حاکی

1 . Peirce, the imperial harem, ix-x.

۲. محمد جواد مشکور، تاریخ تبریز در پایان قرن نهم هجری، تهران، ۱۹۷۳م ص ۶۵۷-۶۷۱ هم‌چنین ر.ک: رساله من،

Tabriz under ottoman rule, 1725-1730 (phd.diss, university of chicago, 1991), 59-87.

۳. برای اطلاعات تاریخی در مورد اردبیل ر.ک:

C.E. Bosworth, Ardabil, Encyclopedia Iranian , vol . 2, 358-60.

از انتقال دارایی افراد متعددی، اعم از زن و مرد، در عوض خسارت نقدی که باید به خزانه زیارت‌گاه می‌پرداختند، به زیارت‌گاه است.<sup>۱</sup> علاوه بر این، آن‌ها به روشنی، مشارکت زن صفوی را در داد و ستد املاک و مستغلات نشان می‌دهند. مطالعات جنینگ<sup>۲</sup> و مارکوس<sup>۳</sup> درباره داد و ستد مستغلات در قرن ۱۷ قیصری و قرن ۱۸ اروپایی شبیه یافته‌های ما درباره شهر اردبیل است. مانند عثمانی اروپایی و آسیایی، زن در هر دو زمینه خرید و فروش املاک شهری و روستایی در اردبیل نقش چشم‌گیری داشته است.<sup>۴</sup> اما از آن‌جا که اقتصاد آن‌ها ضعیف و آسیب‌پذیر بود، در فروش سهمیه ارت خود، بیشتر از خرید دارایی و ملک، فعال بودند. البته چون استنادهای ما مربوط به دوره قبل از صفویه است، به صرفه‌تر این است که بعضی از این رویدادها را تا آن‌جا که منابع اجازه می‌دهد به عقب برگردانیم.

باید در نظر داشته باشیم که مجتمع آرامگاه شیخ صفی‌الدین در قرن چهاردهم بنا شده است. برتری طبقه حاکم ایلخانیان در افزایش شهرت و محبوبیت فرقه صوفیه نقش داشت.<sup>۵</sup> هم‌چنین باید به منابع سنی تاریخ‌نگاری صفوی که عمداً سکوت کرده یا تصویر غلطی ارائه داده‌اند، توجه داشته باشیم. بنابراین، غلبه سلسله‌های سنی مذهب در ایران قبل از دوره صفوی حتی بسیار مهم‌تر از این است. قدیمی‌ترین نوشته موجود در اسناد ما که تاریخ آن از سال ۱۳۰۵ م است، در برگیرنده اعطای هشت سهم از روستای قوساگنبد به وسیله عزیز خلیفه، دختر مرحوم سونج‌بیگ است. اسم سونج‌بیگ نشان می‌دهد که وی یکی از اعضای اشراف نظامی مغول است. طبق این سند، عزیز خلیفه در حضور چند شاهد اعتراف می‌کند که او حق

۱. به سندی که در پایان مقاله ذکر شده نگاه کنید.

2. Jenning.

3. Marcus.

4. Ronald Jennings, women in early 17th century ottoman judicial records: the sharia court of anatolian kayseri, journal of the economic and sociul. History of the orient 18(1975): 97-101; Gabriel Bear. Women and wagt: an analysis of the istanbul tahiri of 1546, asian and atrica studies(jerusalem) 7. nos. 1-3(1983): 9-28, abraham marcus, men , women, and property: dealers in red estate in 18the-century aleppo, journal of economic and social history of the orient 26(1983), 144-45.

5. محسن کیانی، تاریخ خانقاه در ایران، (تهران، طهوری ۱۳۶۹/۱۹۹۰م)، ص ۳۲۴-۳۲۵.

خود را از مالکیت برسهام خودش در این روستا و قسمت اصلی از جهاز عروسی خود (کاوین) را برای خدا و پیغمبر او، و رضایت و مغفرت شیخ صفی زاهد، پرداخت کرده‌است.<sup>۱</sup> باید به این امر مهم توجه داشت که این عمل اهدا، چیزی فراتر از واگذاری و وقف است. *غازان خان*، حاکم مسلمان مغولی (۱۲۹۵-۱۳۰۴م) و خانواده او در فعالیت‌های وقف و هم‌چنین حمایت از خانقاه‌های صوفیان شرکت می‌کردند. *ایلی خاتون*، دختر *غازان خان* برای کمک به تغذیه مستمندان عایدات خود را از سهم روستای *کالخوران* در سال ۱۳۱۴م به آرامگاه اعطا کرد.<sup>۲</sup>

روی هر یک از اوقاف، لعنت نام‌های وجود داشت برای کسانی که به موجودی آن‌ها دست درازی می‌کردند. در بین دیگر زنان خلعت‌دهنده و حامی، به *ملک خاتون*، دختر بزرگ *گیختو*، حاکم ایلخانی برخورد می‌کنیم که سهم خود را از مستغلات شهری در سال ۱۳۴۸م وقف زیارت‌گاه کرده است.<sup>۳</sup> *تمامه خاتون*، یکی دیگر از زنان طبقه بالای جامعه بود که ۲۵٪ از سهمیه خود از روستاهای *نیم‌آباد*، *ناخوران*، *همدان* و *گرم‌رود* (یکی از توابع اردبیل) را در سال ۱۳۶۰م به زیارت‌گاه وقف کرد.<sup>۴</sup> علاوه بر این، *کتایون خاتون*، *بی‌بی خاتون* و *عایشه خاتون* و *وارثان ملک مسعود*، سهم اریته‌شان از زمین‌های خود (۴ دانگ، یک قسمت، یک سهم) در روستای *برینجک* در *گرم‌رود* را در سال ۱۳۸۵م به زیارت‌گاه اعطا کردند.<sup>۵</sup> *بی‌شک گرویدن غازان خان* به اسلام در سال ۱۲۹۵م در حمایت از طریقه شیخ صفی در نیمه اول قرن چهاردهم میلادی نقش مهمی داشته است.<sup>۶</sup> شبکه اقتصادی زیارت‌گاه به نواحی تابعه تبریز و اردبیل در شرق آذربایجان، یعنی جایی که حکومت توانسته بود در قرن چهاردهم منافع فراوانی به

1 . SM, microfilm 1658, for 140.

2 . Ibid, fol 73.

۳. این اسناد کاملاً به هم ریخته و نابسامان هستند، و شماره‌های آن‌ها فاقد نظم و تداوم و استمرار هستند.

۴. سهم، دانگ، تسوج، شعیر واحدهای اندازه‌گیری هستند. دانگ  $\frac{1}{16}$  هر چیزی است یک دانگ مساوی شانزده شعیر است.

Ibid, fol 124.

5 . Ibid, fols 126-28.

۶. حمایت وزیر *غازان خان*، *رشید الدین فضل الله* (متوفای ۷۱۸ق/۱۳۱۸م) نقش مهمی در پیشرفت حکم شیخ صفی داشت. برای دست‌رسی به لیستی از این موقوفه‌ها ر.ک: ام. شفیع و دیگران، *مکتوبات رشیدی* (لاهور، ۱۹۴۵م/ص ۲۶۸-۲۷۲ (نامه شماره ۴۵ به شیخ صفی).



دست آورد، گسترش یافته بود.

فعالیت‌های وقف زنان در قرن پانزدهم چندان آشکار و هویدا نیست. این امر ممکن است در نتیجه ایجاد شکاف در منابع ما یا ناشی از انتقال اداره بقیه، از گروه سنی به شیعه که در قرن پانزدهم روی داده، باشد که این مسئله می‌توانست به ایجاد اختلال در حمایت مالی از سوی طبقه سنی حاکم، منجر شود. کمک‌های نقدی مخفی و پنهانی از سوی پیروان قزلباش آناتولی همچنان ادامه داشت و حتی ممکن بود افزایش یافته باشد. این امر، کمک می‌کرد تا سران حاکم، زمین و املاک شهری بیشتری به دست آوردند.

به‌عنوان مثال، مایملک و دارایی جنید (متوفای ۱۴۶۰م) پدر بزرگ شاه اسماعیل (۱۵۰۱-۱۵۲۴م) دو روستا، یک مزرعه، دویاغ و یک آسیاب بود. از هفت نفر وارث او، دو همسر او، خدیجه‌خاتون، دختر علی‌بیک<sup>۱</sup> و جنت‌خاتون، دختر عمریگ، هر کدام یک سهم از تمام هفده سهم روستای شام‌اسبی و از یک باغ بزرگ دریافت می‌کردند. سه دختر او سلطان‌زاده، نگارشاه و پاشاشاه سه سهم از آسیاب‌ها و دو سهم از مزرعه کالوریگه را به ارث بردند. از طرف دیگر، دو پسر او، محمد و حیدر، دو سهم از باغ‌ها و چهار سهم از روستای ابراهیم‌آباد را دریافت کردند.<sup>۲</sup> بنفشه‌خاتون، یکی از زنان سلطان حیدر، پدر شاه‌اسماعیل، در نیمه دوم قرن پانزدهم چند روستا از توابع تبریز را وقف آرامگاه کرد.<sup>۳</sup> فخرجهان خاتون، خواهر شاه‌اسماعیل یکی دیگر از زنان مشهور صفوی بود که یک قطعه از مراتع (یونجلیک) خود را که از طریق نماینده‌اش (وکیل) از شخص خواجه منوچهر بن خواجه نورالله در سال ۱۵۲۸م خریداری کرده بود، وقف کرد. همسران و دختران حکام صفوی که سهم مهمی از املاک زمین‌ها را در آذربایجان به ارث برده بودند، در نهایت، آن‌ها را به آرامگاه فروخته یا وقف کردند. این روش، دارایی خصوصی فراوانی را که در دست طبقه حاکم جمع می‌شد، از طریق ارث، فروش و اعطا به زیارت‌گاه به گردش در می‌آورد. گروه زنان عصر صفوی نقش مهمی در

۱. خدیجه خانم هم‌چنین دختر اوزون حسن آق‌قویونلو بود. دختر اوزون حسن، عالم شاه بیگم (مارتا حلیم‌بیگی آقا) با حیدر از دواج کرد و اسماعیل صفوی را به دنیا آورد.

2. SM 1658, fol 192.

3. lbid, fol 182.

سوق دادن املاک و دارایی به سوی فعالیت‌های خیریه شهری از طریق فروش و وقف، برعهده داشتند.

بعضی مالکان، خاستگاه آناتولی داشتند، به‌عنوان مثال بنگی سلطان قلیچلو قری (زن شمشیر زن)، دختر حمزه آقابین مراد آقا روملو، مزرعه وسیع خود (قشلاق روملو) در چخور سعد که او در آنجا املاک شخصی و همه متعلقات آن و رودخانه کلیچو را در اختیار داشت، وقف آرامگاه کرد. علاوه براین، وی روستای یاساقلو را وقف آرامگاه شاه اسماعیل و همسر متوفیش، عاشق احمد بگتیمور روملو کرد. وی خودش را در سال ۱۵۳۴م به‌عنوان متولی منصوب کرد. می‌دانیم که این زن نامدار قزلباش روستای یاساقلو را از شخص یولابان بیگ روملو خریداری کرده است.<sup>۱</sup> وی بایستی املاک فراوانی را در چخور سعد به ارث برده باشد. از پسوند اسم او گمان می‌بریم که وی سلاح حمل می‌کرده و در مأموریت‌های نظامی شرکت می‌کرده است. هم‌چنین دختران مشهور بزرگان، به‌عنوان حامیان این موقوفه، ایفای نقش می‌کردند. خاتون خان زاهدیه بیگم، دختر شیخ شهپر عارف یوسف شاه بن شیخ کامل، روستای زریلق، یک باغ و دو آسیاب را وقف آرامگاه کرد. وی این زمین‌ها را از وارث سعید بیگ حمزه حاجیلو به‌عنوان وکیل در سال ۱۵۱۸م خریداری کرد.<sup>۲</sup> علاوه براین، صاحب‌سلطان خاتون و خان آقا، دختران حسن آقا شکر اوغلو قسمت زیادی از روستای سیس در ارونق از توابع تبریز را در سال ۱۵۳۸م وقف کردند.<sup>۳</sup>

مجموعه آرامگاه، زمین‌های وسیعی از روستاهای توابع اردبیل و نواحی اطراف تبریز و توابع آن را در بر می‌گرفت. نیمه اول قرن شانزدهم میلادی شاهد افزایش اعتبار دولت صفوی است که در فعالیت‌های کلان وقف به زیارت‌گاه به وسیله زنان و مردان خانواده‌های بزرگ و طبقه حاکم صفوی در آذربایجان متبلور است. بی‌شک، انتخاب تبریز به‌عنوان اولین پایتخت صفویه در سال ۱۵۰۱م موقعیت سیاسی طبقه شیعه شهری جدید را که به طور قطع

1 . Ibid, fol 104.

2 . Ibid, fol 113.

3 . Ibid, fol 89.



سعادتشان به طلوع ستاره صفوی وابسته بود، بهبود بخشید. باید خاطر نشان کرد که اعضای خانواده‌های طبقه بالا (سادات و شیوخ) نیز همان نقش را در اقتصاد و سیاست‌های مؤسسه وقف، بازی می‌کردند. زنان خانواده‌های اشراف درصدد بودند تا از طریق اعطای عایداتی از اموال و دارایی‌های خود به زیارت‌گاه، تضمینی برای جلوگیری از مصادره اموالشان توسط دولت و قوانین ارث به دست آورند. علاوه بر این آن‌ها درصدد بودند تا برای خانواده‌های خود در آن دنیای مشوش پیمان‌های سیاسی، از طریق سرمایه‌گذاری و دخالت در فعالیت‌های یکی از مهم‌ترین امور مذهبی و مجموعه زیارت‌گاهی جایگاه مهمی به دست آورند. نیز می‌توانیم حدس بزنیم که آیا زینده بود که حکومت، زن را جزء اعضای طبقه بالای جامعه به حساب آورد؟ برای پاسخ این سؤال باید منتظر تحقیقات بیشتری باشیم. با وجود این، شاید بتوانیم نقش سیاسی زنان. نامور صفوی را در پیمان‌های خارجی با *آق‌قویونلو* قبل از تأسیس حکومت صفوی در سال ۱۵۰۱م مشخص کنیم جالب توجه است بدانیم که در منابع ما از اعضای قبیله *آق‌قویونلو* به عنوان اعطاکنندگان، صاحبان یا فروشندگان املاک و دارایی به آرامگاه یاد می‌نماید نشده است.

به‌طور قطع، ماهیت و عملکرد این طبقه مذهبی حاکم بعد از این‌که رهبر آن‌ها *شاه اسماعیل* قدرت را در ایران در سال ۱۵۰۱م در دست گرفت، تغییر کرد. دارایی‌های اقتصادی آرامگاه به گونه‌ای فوق‌العاده افزایش یافته بود، به طوری که می‌توان توجیه کرد که بزرگ‌ترین خریدار املاک شهری و روستایی بود. علاوه بر این، ما باید بین عطایا و فروش مستقیم دارایی و املاک به مقبره، تفاوتی قائل شویم. در هر دو مورد، مالکان و فروشندگان از زیارت‌گاه و فعالیت‌های آن حمایت می‌کردند، هر چند که در مورد دوم بیشتر به صورت غیرمستقیم بود. در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی خود زیارت‌گاه یک بازار خرید فحالی برای املاک شهری و روستایی بود. مقبولیت و جذب عمومی جنید و *شاه اسماعیل* در میان رعایا و افراد قبایل آناتولی باعث جذب هدایای مادی آن‌ها به آرامگاه می‌شد.<sup>۱</sup> علاوه بر این، حمایت

۱. کیانی نقش مهم زن را در ایجاد نظم در خلوت درویشان نشان می‌دهد. کیانی، تاریخ خانقاه در ایران، ص ۲۵۵. هم چنین ر. ک:

Julia clancy smith, the house of zainab: female authority and saintly succession, in nikki keddie and beth baron, eds. Women in middle eastern history, 256-57.



اقتصادی طبقه و گروه‌های حاکم در آذربایجان، در موفقیت حکومت شیعی نقش مهمی داشت. مشخص نیست که چرا مقداری از املاک که توسط حکام سنی نقش‌بندی و خلوتی وقف شده‌است، به‌وسیله حکام صفوی بعد از پیروزی آن‌ها در قرن شانزدهم مصادره شده است.

نقدینه زیارت‌گاه برای امور خیریه و اکتساب دارایی بیشتر استفاده می‌شد. تحلیل و بررسی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آن به مطالعه‌ای مجزا و طولانی در آینده نیازمند است. کافی است گفته شود که در قرن هفدهم میلادی این مجموعه آرامگاهی مقداری از کارکردهای خود را به‌عنوان یک مؤسسه مرتبط با امور وقف، به مؤسسه‌ای که سرمایه خود را برای داد و ستد املاک شهری هزینه می‌کرد، تغییر داد. به‌عبارت دیگر، عایدات ناشی از اوقاف و هدایای پادشاهان صفوی و ملازمان آن‌ها به‌دارایی‌های مجتمع اهدا می‌شد که علاوه بر آن در کارهای خیریه و مخارج مصرف می‌شد. به‌عنوان مثال، بعد از پیروزی بر عثمانی و تسخیر مجدد آذربایجان در سال ۱۶۰۳ م شاه‌عباس اول (۱۵۸۸-۱۶۲۹ م) همه اموال و دارایی‌های شهری اصفهان را که ثروتی بیش از صد هزار تومان عراقی بود، در سال ۱۶۰۷ م وقف دوازده امام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر کرد. عایدات املاک موقوفه، بعد از کنار گذاشتن قسمتی از آن برای مخارج متولی و سرپرست، باید برای نگهداری و اجرت خادمان، زوار، مؤمنان و طلاب علوم دینی در حرم امام‌رضا علیه السلام در مشهد و شیخ صفی در اردبیل خرج می‌شد. شاه‌عباس اول تولیت آن را خود به عهده گرفت و بعد از مرگ او این کار به فرزندانش منتقل شد.<sup>۱</sup> چینی‌های معروف دربار شاه عباس صفوی که مجموعه قابل توجهی بود، برای مقبره اردبیل به ارث گذاشته شد. براساس نوشته‌های اسکندریگ‌منشی، وقایع‌نگار معاصر صفوی، این بزرگ‌ترین وقفی است که از طرف حاکمی به این زیارت‌گاه اعطا شده است.<sup>۲</sup>

بنابراین، آرامگاه در نیمه اول قرن هفدهم میلادی قسمت‌هایی از حمام‌های عمومی، کاروان‌سراها، خانه‌های مسکونی، مغازه‌ها و آسیاب‌ها را در اردبیل از طریق خرید مستقیم از زنان و مردان وارث خاندان متوفی صفوی به‌دست آورد. زنان سهم کلانی از واحدهای

1 . Iskandar beg munshi, history of shah Abbas the great, 2vols., trans.F.M. savory(boulder: westview press, 1978). 2: 953-56.

2 . Ibid, fol 955.



مسکونی، مغازه‌ها، باغ‌ها، کاروان‌سراها و حمام‌ها را به ارث می‌بردند، بارها دارایی چشم‌گیری به وارثان متعددی؛ برادران، خواهران و همسران مشترک به ارث می‌رسید. مشاخره‌های دارایی و ارث مقدار مهمی از دادخواهی‌های دادگاه‌های شرعی را دربر می‌گرفت. بسیاری از این دعاها با فروش سهمیه ارث زنان به نتیجه می‌رسید. مجموعه آرامگاه بایستی برای خرید املاک، قیمت خوبی پیشنهاد می‌کرد تا بتواند تعداد زیادی از زنان فروشنده املاک را به خود جلب کند. نیمه اول قرن هفدهم میلادی با جنگ‌های ایران و عثمانی همراه بود که باعث بحران اقتصادی در ایالت مرزی آذربایجان شد. تصرف هشت ساله آذربایجان توسط عثمانی در انتقال پایتخت از این ایالت تأثیر داشته است. علاوه بر این، بسیاری از صاحبان سرمایه مجبور بودند تا دارایی خود را به افراد باقیمانده در آن‌جا بفروشند. مجموعه زیارتگاهی شیخ صفی به دلیل ذخیره مالی آن، برای توسعه دارایی املاک و دارایی‌های شهری خود برای آینده، در موقعیت مفید و سودمندی قرار داشت. بار دیگر زن در انتقال ملک خصوصی و املاک خانوادگی به این مؤسسه مهم شهری، نقش مهم میانجی بازی می‌کرد. در این دوره، جنبه‌های سکولار، غیر دینی و صرفاً مادی این توسعه کاملاً آشکار و مشخص بود.

زنان ۳۰٪ از سهم فروش حمام‌های عمومی، ۲۰٪ از کاروان‌سراهای کوچک اردبیل، ۱۰٪ از مغازه‌ها، ۲۵٪ از خانه‌ها، ۵۰٪ از سهم روستاهای اطراف اردبیل و ۱۵٪ از آسیاب‌های بادی اعطا شده به زیارتگاه را در نیمه اول قرن هفدهم میلادی به خود اختصاص داده بودند. آن‌ها غالباً از اعضای فرماندهان نظامی و خانواده‌های مذهبی بودند. به هر حال، صاحبان واحدهای اقتصادی تا حد زیادی به خانواده‌های بازرگانی (خواججه‌ها) وابسته بودند. اسناد فروشی که در اسناد شریع‌الملک آمده است، املاک فراوانی به شکل املاک شهری و روستایی را نشان می‌دهد که در مالکیت خانواده‌های برگزیده صفوی در اردبیل بودند. در اواخر قرن هفدهم بزرگان قزلباش از قبایل روملو، شاملو و قرمانلو مقدار زیادی از زمین‌های آذربایجان را در اختیار داشتند. نوادگان زن آن‌ها قدرت اجتماعی و اقتصادی فراوانی به دست آوردند و این امر در القابی که در منابع ما برای این زن‌ها به کار برده شده است؛ از قبیل علیاحضرت، خاتون، خانم سلطان، خان آقا، شاسلطان، پاشا، بانو، سیده، بیگی و بی‌بی، متجلی است. متأسفانه مرحله حاضر از تاریخ‌نگاری صفوی و فقدان نسخه‌های اصلاح شده، این اجازه را به ما نمی‌دهد تا

بسیاری از این خانواده‌های اردبیل را مشخص کنیم. نیز ما اطلاعات فراوانی درباره زنانی که در این جا در منابع ما ذکر شده‌است، نداریم. علاوه براین، با وجود موقعیت اجتماعی بالای آن‌ها، به ندرت زنان محترم و آبرومند به طور مستقیم املاک را داد و ستد می‌کردند، هر چند به ندرت پیش می‌آمد که تعداد کمی از زنان از مرزهای جنسیت زنانه، تخطی کنند. آن‌ها معمولاً همیشه برای فروش سهمیه‌های خود به‌عنوان گروهی از برادران و خواهران، وکیل یا نماینده‌ای می‌گرفتند. اجازه دهید تا مقداری از این فعالیت‌ها را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم.

در نیمه اول قرن هفدهم میلادی طبق دلایل بارزی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، اعضای خانواده‌های برگزیده قزلباش و طبقات اشراف صفوی، در فروش املاک و دارایی شهری به مقبره شیخ صفی مشارکت می‌کردند. به‌عنوان مثال، وارثان میرزا ابراهیم بیگ، وزیر صفوی و دو پسر او (ناج میرزا و اسماعیل میرزا) و دو دختر او (بلقیس خانم و خدیجه خانم) و دو همسر او (بیگم خانم و ایرحمن خانم) در سال ۱۶۲۵م سهم خود (چهار دانگ از روستاهای گیچله و بگیچله) را به مبلغ هفت تومان<sup>۱</sup> تبریزی و هفت صد دینار به آرامگاه فروختند.<sup>۲</sup> قسمت باقیمانده از روستاهای گیچله (۱/۵ دانگ) در سال ۱۶۲۹م توسط همسر دیگر خدیجه بانو، دختر مرحوم سید آقا یوسف صفوی و شاه زمان خانم، دختر مرحوم سید خواجه بیگ میرزا صفوی به مبلغ پانزده هزار تومان تبریزی فروخته شد. در همان سال، حوری خانم، دختر سید قاسم میرزا صفوی، سهم خود (سه دانگ) را از روستا سفری و همه متعلقات آن، یعنی رودخانه‌ها و مزارع را به مبلغ سی تومان مسکوک طلا به مقبره فروخت.<sup>۳</sup> این بزرگ‌ترین داد و ستدی بود که به‌وسیله زنی از اعیان خانواده سیدمشهوری انجام گرفته است. همسر دیگر به نام حوری خانم، دختر خلیفه تیمورخان صفوی، همراه با نتیجه خانم، دختر ذوالفقاری بیگ قراملو، سهم خود (یک دانگ، یک تسوج) را از روستای شمیران با همه متعلقات آن، در سال ۱۶۲۸م به مبلغ

۱. یک واحد مسکوکات؛ یک تومان مساوی با ده هزار تومان.

2. SM 1655, fols. 100-102.

3. Ibid, fols. 91-92.



بیست‌تومان تبریزی به مقبره فروختند.<sup>۱</sup> ذوالفقار خان قرامانلو، در سمت‌های مختلفی به شاه‌عباس اول خدمت کرد. او در سال ۱۵۹۵م به‌عنوان سفیر ایران به عثمانی اعزام شد.<sup>۲</sup> او فرمانده نظامی قزلباش مهمی بود که در چند لشکرکشی با شاه‌عباس شرکت کرد و او را در بازپس‌گیری آذربایجان از دست عثمانی در سال ۱۶۰۳م یاری داد. او در نهایت به‌عنوان امیرالامرای (فرمانده نظامی) آذربایجان و شیروان منصوب شد. وی هم‌چنین زمین‌دار ثروت‌مندی بود که ۴۵ قطعه از زمین‌ها، مغازه‌ها و خانه‌های اهالی آذربایجان را در سال ۱۵۹۶م به مبلغ ۳۶۰تومان و هفت هزار دینار تبریزی خریداری کرد. بعد از این‌که این زمین‌ها را به میدان عمومی با مغازه‌هایی در اطراف آن تبدیل کرد، آن‌ها را به مقبره فروخت.<sup>۳</sup> او از نظر شاه افتاد و در سال ۱۶۱۰م به وسیله قرچقای خان اعدام شد. این اقدامی الثفات‌آمیز از سوی شاه نسبت به مردم شورشی داغستان بود، که از اعمال تنبیهی ذوالفقار خان رنجیده و دل‌خور بودند.<sup>۴</sup>

شاه موجودخانم، دختر حیدرقلی بیگ، و ابراهیم‌محمدبیگ، پسر مرحوم سیدقطب‌الدین صفوی، سه سهم (دانگ) از روستای بارنیق در کوه‌های سبلان به اضافه چهار آسیاب، دوباغ و یک خانه با چهار آسیاب را به مبلغ چهل تومان تبریزی در سال ۱۶۲۸م به مقبره فروختند.<sup>۵</sup> در دیگر دادوستدها، مرصع، دختر بهرام‌قلی، و عرب‌خان، دختر عزیزالله روملو، سهمیه خودشان را از آسیاب نزدیک روستای ملایوسف در همان سال به مبلغ ۴۵ هزار دینا به مقبره فروختند.<sup>۶</sup>

هم‌چنین زنان صفوی سهمی از دارایی‌های شهری که به‌طور فزاینده به مجموعه مقبره منتقل می‌شده، در اختیار داشتند از معروف‌ترین مالکان املاک شهری، بیگی‌خان‌خانم، دختر محمدبیگ شاملو بود که به‌وسیله وکیلش، حسن بیگ، کاخ مجلل و همه واحدهای متعلق به آن

1. Ibid, fol. 85.

۲. منشی، تاریخ شاه‌عباس، ج ۲، ص ۶۸۸-۶۸۹.

3. SM 1655, fol. 33.

۴. منشی، تاریخ شاه‌عباس، ج ۲، ص ۱۰۰۹-۱۰۱۰.

5. SM 1655, fols. 74-75.

6. Ibid, fols. 67-68.



را به مبلغ هفده هزار تومان و پنج هزار دینار، در سال ۱۶۲۵م به آرامگاه فروخت. این کاخ، به صالح میرزا، پسر ادریس میرزا، وکیل دربار سلطنتی تعلق داشت.<sup>۱</sup> علاوه بر این، زن سهمی از کاروان‌سراها و حمام‌های عمومی را در اختیار داشت. به‌عنوان مثال در سال ۱۶۲۰م سیده‌سلطان‌خانم، دختر غلامرضا صفوی، سهم خود (یک دانگ، یک تسوج) را از حمام ظهیرالدین در محله توی اردبیل به مبلغ چهل تومان به مقبره فروخت.<sup>۲</sup> همانند او/اسماعیل خانم، جهان‌خانم و ماهی خانم، دخترهای خواجه عبدالعلی بن حاجب محب علی، سهم خودشان (چهار و نیم دانگ) از حمام حاج محب علی را در محله تکیه در سال ۱۶۱۹م به مبلغ هشتاد تومان فروختند.<sup>۳</sup> ماهی خانم، دختر سیدمیرزا صفوی، نیز سهم خود (نیم دانگ) را از یک حمام در محله رومیه، سال بعد به مبلغ ده تومان تبریزی به آرامگاه فروخت.<sup>۴</sup> سرانجام، بیگم خان‌خانوم، زن مرحوم ملامحسن اردبیلی سهمیه ارث خود (۳ دانگ) را از کاروان‌سرای ملامحسن که در بازار سراجان قرار داشت، به مبلغ هشت تومان در سال ۱۶۲۵م به زیارت‌گاه فروخت.<sup>۵</sup> جهان‌خانم و ماهی‌خانم هر دو به طبقه اشرافی و از اعقاب صدرها که مقام مهم مذهبی در دستگاه اجرایی صفویه به حساب می‌آمد، وابسته بودند. این‌که بسیاری از این صاحب منصبان واقعاً در اردبیل مقیم بودند یا مالکان غایب از ملک خود بودند، مشخص نیست. اما وارثان آن‌ها واقعاً در این داد و ستدها حضور فیزیکی داشتند و منابع مانشان می‌دهد که زن صفوی سهمی از کاروان‌سرا و حتی مغازه‌های اردبیل را به خود اختصاص می‌داد. حمام‌های عمومی، واحدهای مسکونی، باغستان‌ها، و باغ‌ها قسمت عمده‌ای از دارایی‌های خصوصی زنان را در برمی‌گرفت. زن ممکن بود سهمی از آن قسمت از حمام‌های عمومی را که خدمات جداگانه‌ای برای زنان ارائه می‌داد در اختیار داشته و شاید مسئولان و متصدیان حمام‌های زنانه به‌وسیله حامیان و مالکان زن اجیر می‌شدند. شیخ شریف‌زاهد متولی،

1 . Ibid, fols. 55-56.

2 . Ibid, fol. 34.

3 . Ibid, fols. 21-22.

4 . Ibid, fol 24.

5 . Ibid, fol. 34.



خریدهایی برای مقبره انجام می‌داد و پول آن‌ها را در بسیاری از موارد از همین دارایی‌های معامله شده پرداخت می‌کرد. بعدها این‌فروش‌ها در کتاب ثبتی که در آرشیوهای حرم نگهداری می‌شد، ثبت شده است. متولّی، نقش بسیار مهمی را در اداره مجموعه حرم برعهده داشت. وی تصمیمات اقتصادی می‌گرفت و معامله‌های مقبره را انجام می‌داد. این روند در شهرهای عثمانی نیز مرسوم بود.<sup>۱</sup> روش‌های یاد شده، در این بررسی اولیه، در زندگی اقتصادی و مذهبی اردبیل قابل رؤیت و دست‌رسی است.

املاکی که زنان صفوی برای مقبره شیخ صفی وقف می‌کردند، نقش مهم سیاسی و اقتصادی زن را در جامعه صفوی نشان می‌دهد. مشارکت آن‌ها در داد و ستد املاک نیز امتیازهایی برای شخصیت برجسته و چشم‌گیر آن‌ها در عرف داشته است. زنان درصدد بودند از طریق تبدیل دارایی شخصی خود به نقدینگی، به سرعت برتری مالی و اقتصادی را در حرم به‌دست آورند. برای زنان برگزیده صفوی تصاحب نقدینگی بسیار مهم‌تر از مالکیت بر املاک شهری و روستایی و فعالیت‌های وقف آن‌ها که در این دوره از طریق داد و ستد املاک و فروش مستقیم رایج بود، بوده‌است. سیاسی شدن حکومت صفوی و حمایت فعال شاهان صفوی از حرم از طریق هدایا و اوقاف عمده، ممکن است که نقش زن قزلباش را به‌عنوان مسئول و متصدی این امر کم رنگ کرده باشد. در عوض، ممکن بود آن‌ها ترجیح دهند تا از افزایش ثروت حرم برای تبدیل املاک و دارایی خود به پول نقد استفاده کنند. آن‌چه آن‌ها با این ثروت انجام می‌دادند، سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، اما با سود زیاد بوده‌است. این زن‌های ثروت‌مند طبقه اشراف بودند که دوباره ثروت خود را در معاملات املاک و سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌پذیر، بین خودشان یا با مردان قبیله خود سرمایه‌گذاری کنند. به‌طور قطع، حرم شیخ صفی‌الدین فرصت‌های جدید اقتصادی برای زنان خانواده‌های نخبه فراهم می‌آورد. ناتالی زیمون دیویس<sup>۲</sup> پیشرفت مشابهی را در اوج اصلاحات قرن شانزدهم میلادی در فرانسه خاطر

1 . See suraiya foroghi, towns and towns men of ottoman anatolia: Trade crafts, and food production in an urban setting . 1520-1650(newyork and cambridge: cambridge university press, 1984).

2 . Natalia zemon davis.

نشان می‌کند.<sup>۱</sup> براساس مطالب دیویس، اصلاحات کلیسا در جامعه‌ای به زن جاه و مقام بالایی اعطا کرد که رشد قبلی سطح سواد را در میان زنان شهری فرانسه و فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها را تکمیل و تسهیل کرد. ما قادر نیستیم سطح سواد زنان نخبه صفوی را مشخص کنیم، اما به‌طور کلی، اهمیت سیاسی طبقه جدید شیعی و خانواده‌های قزلباش کمک کرد تا زن نقش مهمی در اردبیل و تبریز، به‌عنوان دو مرکز مهم شهری در این دوره به‌دست آورد. معمولاً زن آزادی زیادی در جوامع قبیله‌ای و شهری به‌دست آورده بود. نیز در امپراطوری عثمانی، این امر به‌طور کلی به انعطاف دین نسبت به زن برمی‌گشت. مذهب جدید صوفیانه تشیع‌گری قزلباش، دید باز و حساب شده‌ای در مورد زن داشت. جامعه علوی در آناتولی، که از اعقاب قزلباش‌ها بودند، موقعیت مهمی در آیین‌های خود برای زن قائل می‌شدند. زن صفوی به نقش مهم خود در اقتصاد شهری و فعالیت‌های خیریه قرن هفدهم میلادی ادامه داد. تنها تحقیقات آینده خواهد توانست وسعت مشارکت زن را در زندگی اقتصادی سایر نقاط ایران مشخص کند.

## ضمایم

- زنان صاحب املاک در آذربایجان عصر صفوی (۱۴۵۰-۱۶۲۸م)
۱. فخر جهان خانم، خواهر شاه اسماعیل (طبق اسناد تاریخ ۱۵۳۸م)؛
  ۲. بنفشه خاتون، زن حیدر؛
  ۳. خاتون خان زاهدیه بگیم، دختر شیخ عارف یوسف شاه (۱۵۱۸م)؛
  ۴. بنگی سلطان قلیچلو قری، دختر حمزه آقا بن مراد آقا روملو (۱۵۳۴م)؛
  ۵. صاحب سلطان خاتون و خان آقا، دختر حسن آقا شکرآغلو (۱۵۳۸م)؛
  ۶. بلقیس خانم و خدیجه خانم دختر میرزا ابراهیم بیگ (۱۶۲۵م)؛
  ۷. سیده حوری خانم، دختر سید قاسم میرزا صفوی (۱۶۲۵م)؛
  ۸. حوری خانم، دختر خلیفه تیمورخان صفوی؛

1 . Natalia zemon davis, society and culture in early modern France (stanford: stanford university press, 1975: see particulary chopter three, city women and rdligius change, 65-95.

۹. نتیجه خانم، دختر ذوالفقار بیگ قراملو (۱۶۲۸م)؛
۱۰. شاه موجود خانم، دختر حیدر قلی بیگ (۱۶۲۸م)؛
۱۱. مرصع، دختر بهرام قلی (۱۶۲۵م)؛
۱۲. عرب خان، دختر عزیزالله روملو (۱۶۲۵م)؛
۱۳. بنگی خان خانم، دختر محمد بیگ شاملو (۱۶۲۵م)؛
۱۴. سیده سلطنت خانم، دختر غلامرضا صفوی (۱۶۲۰م)؛
۱۵. عصمت خاتون، جهان خانم، ماهی خانم، دختر خواجه عبدالعلی بن حاجی محب علی؛
۱۶. ماهی خانم دختر سیدمیرزا صفوی؛
۱۷. بیگم خان خاتون، همسر ملامحسن اردبیلی (۱۶۲۵م).

#### سند

sharih al-milk, microfilm 1656, folio 46 (regenstein library, university of  
chicago:

سند فروش (قباله) املاک و مزارع روستای آلاق در آذربایجان، در تاریخ ۱۵ رمضان  
۹۴۸/۹۴۸ دسامبر ۱۵۴۱.

بعد از آن که ثابت شد که شکرخاتون، دختر حاجی محمد، آقامیربن عبدالغفار و شیخ حسین بن مولانا  
نعمت‌الله، میرآقاشیخ فرخ را به عنوان نماینده (وکیل) برای فروش املاک خودشان منصوب  
کرده‌اند: میرآقای یادشده، از طرف شکرخاتون، آقامیر و شیخ حسین فوق‌الذکر ارثیه آن‌ها  
شامل دو تسوج و دو سهم در روستای آلاق و شبیه آن در مزرعه کوساور را به مبلغ یازده  
تومان و ۲۵۰۰ دینار به نایب متولی آستانه مبارکه، امیر اشرف و دیگر نماینده او، مولانا احسان  
الله حکیم بن مولانا محمد کراتی، فروخت. نایب یاد شده، ملک را خرید و وجه آن را از پول نقد  
آستانه مقدس به خریداران پرداخت کرد. بعد از آن که متولی و نایب ثابت کردند که املاک از  
پول حرم خریداری شده و از حال به‌عنوان وقف آستانه مبارکه به حساب می‌آید، خریداران حق  
خود را به‌طور کامل از دارایی و ملک خود دریافت کردند.